

گفت: تو نیز چنین کن تا حیات یابی^۱

از سخنان عیسی (ع) به حواریون پس از شام آخر^۲

همان‌گونه که خداوند مرا دوست داشته است، من نیز شما را دوست داشته‌ام؛ در محبت من بمانید. اگر حافظ احکام من باشید، در محبت من خواهید ماند؛ چنانکه من حافظ احکام پدر خویش بوده‌ام و در محبت او مانده‌ام. این سخنان را به شما گفتم تا شادی من در شما باشد و شادی شما به کمال باشد.

حکم من این است که یکدیگر را محبت کنید، چنانکه من شما را محبت کرده‌ام. محبتی بزرگتر از این وجود ندارد که کسی جان خود را در راه دوستانش فدا کند. شما «دوستان» منید، اگر آنچه به شما حکم می‌کنم انجام دهید. دیگر شما را خادم نمی‌خوانم، زیرا خادم نمی‌داند که مخدومش چه می‌کند. بلکه شما را دوست خود می‌خوانم، زیرا هرآنچه از پدر شنیده‌ام، به شما رسانیده‌ام.

از رساله‌ی اول پولس به کُرتیان^۳

عطا‌های برتر را بطلبید. و راهی را بر شما خواهم نمایاند که از تمامی این‌ها فراتر می‌رود.

آنگاه که به زبان آدمیان و فرشتگان سخن می‌گویم، اگر عاری از محبت باشم، چیزی نیستم جز مفرغی که به صدا درمی‌آید یا سنجی که بانگ آن طنین انداز می‌شود.^۴ آنگاه که عطای نبوت را دارم و از جمله‌ی اسرار و سرپای علم آگه‌م، آنگاه که کمال ایمان را دارم، ایمانی که کوهساران را

^۱ بنگرید به داستان پرسش فقیهی از عیسی (ع) و تمثیل سامری نیکوکار در انجیل لوقا، باب ۱۰، آیات ۳۷-۲۵ (این روایت را در [گزیده متن انجیل](#) و یادداشت شماره ۱۵ از متن «در باب رفتار اخلاقی در آیین مسیح (ع)» نیز می‌توانید بیابید.)

^۲ انجیل یوحنا، باب ۱۵، آیات ۹ تا ۱۵

^۳ رساله‌ی اول پولس به کُرتیان، باب ۱۲، آیه ۳۱، و باب ۱۳، آیات ۱-۱۳.

^۴ بر خلاف دلبستگی عاشقانه و خودخواهانه، محبت (agape) دلبستگی نوع دوستانه با نیت خیرخواهی برای دیگری است. منشأ آن خدا است که نخست او محبت ورزید (رساله اول یوحنا: ۱۹/۴) و پسر خویش را تسلیم کرد تا گنهکاران با یکدیگر آشتی یابند (رساله به رومیان: ۸/۵، ۳۲/۸-۳۹، رساله دوم به کُرتیان: ۱۸/۵-۲۱، رساله به افسسیان: ۴/۲-۷؛ بنگرید به انجیل یوحنا: ۱۶/۳؛ رساله اول یوحنا ۹/۴-۱۰) و مبدل به برگزیدگان (رساله به افسسیان ۴/۱) و پسران (رساله اول یوحنا: ۱/۳) گردند. این محبت که نخست به خدا (ی پدر) نسبت داده می‌شود (رساله به رومیان: ۵/۵، ۳۹/۸؛ رساله دوم به کُرتیان: ۱۱/۱۳، ۱۳؛ رساله به فیلیپیان: ۱/۲؛ رساله دوم به تسالونیکیان: ۱۶/۲؛ بنگرید به رساله اول یوحنا ۱۵/۲) و سرشت خدا است (رساله اول یوحنا: ۷/۴، ۱۶)، که همین عنوان نزد پسر نیز هست (رساله به رومیان: ۳۵/۸، ۳۷، ۳۹؛ رساله دوم به کُرتیان: ۱۴/۵؛ رساله به افسسیان: ۱۹/۳؛ رساله اول به تیموتوس: ۱۴/۱؛ رساله دوم به تیموتوس: ۱۳/۱) که پدر را دوست می‌دارد آنچنان که دوست داشته‌ی او است (رساله به افسسیان: ۶/۱؛ رساله به کولوسیان: ۱۳/۱؛ بنگرید به انجیل یوحنا: ۳۵/۳، ۱۷/۱۰، ۳۱/۱۴) و همچون او آدمیان را دوست می‌دارد (انجیل یوحنا: ۱/۱۳، ۳۴، ۲۱/۱۴؛ ۹/۱۵)، همانان که به خاطرشان تسلیم شد (رساله دوم به کُرتیان: ۱۴/۵؛ رساله به گالاتیان: ۲۰/۲؛ رساله به افسسیان: ۲۵/۲؛ رساله اول به تیموتوس: ۱۴/۱؛ بنگرید به انجیل یوحنا ۱۳/۱۵؛ رساله اول یوحنا: ۱۶/۳؛ مکاشفه: ۵/۱). این محبت روح القدس نیز هست (رساله به رومیان: ۳۰/۱۵؛ رساله به کولوسیان: ۸/۱) که آن را در دل‌های مسیحیان می‌ریزد (رساله به رومیان: ۵/۵؛ بنگرید به رساله به گالاتیان: ۲۲/۵) و سرانجام بر ایشان عطا می‌کند (بنگرید به رساله به رومیان: ۴/۸) که این حکم اساسی شریعت را که محبت به خدا و همنوع است، به اجرا درآورند (انجیل متی: ۲۲/۳۷-۴۰؛ رساله به رومیان ۸/۱۳-۱۰؛ رساله به گالاتیان: ۱۴/۵). زیرا محبت به برادران و حتی به دشمنان (انجلی متی: ۴۳/۵-۴۸) ادامه ضروری و دلیل راستین محبت به خدا است (رساله اول یوحنا ۱۷/۳؛ ۲۰/۴) و این فرمان تازه‌ای است که عیسی داد (انجیل یوحنا: ۱۳/۱۳، ۱۲/۱۵، ۱۷؛ رساله اول یوحنا: ۲۳/۳؛ و غیره) و شاگردان او از القای آن فروگذار نمی‌کنند (رساله به رومیان: ۸/۱۳؛ رساله به گالاتیان: ۳/۱۵؛ رساله‌ای به افسسیان: ۱۵/۱؛ رساله به فیلیپیان: ۲/۲؛ رساله به کولوسیان: ۴/۱؛ رساله اول به تسالونیکیان: ۱۲/۳؛ رساله دوم به تسالونیکیان: ۳/۱؛ رساله به فیلمون: ۵، ۷؛ بنگرید به رساله یعقوب: ۸/۲؛ رساله اول پطرس: ۲۲/۱؛ ۱۷/۲؛ ۸/۴؛ ۱؛ انجیل یوحنا: ۱۰/۲، ۱۰/۳، ۱۴؛ و غیره). پولس بدین سان یاران خویش را دوست می‌دارد (رساله دوم کُرتیان: ۴/۲؛ ۱۵/۱۲؛ و غیره) و دوست داشته‌ی ایشان است (رساله به کولوسیان: ۸/۱؛ رساله اول به تسالونیکیان: ۶/۳؛ و غیره) این محبت که بر پایه صداقت و فروتنی، فراموشی خویشتن و از خودگذشتگی (رساله به رومیان: ۹/۱۲؛ رساله اول کُرتیان: ۴/۱۳-۷؛ رساله دوم کُرتیان: ۶/۶؛ رساله به فیلیپیان: ۲/۲)، خدمت: (رساله به گالاتیان: ۱۳/۵؛ بنگرید به رساله به عبرانیان: ۱۰/۶) و پشتیبانی یکدیگر (رساله به افسسیان ۲/۴؛ بنگرید به رساله به رومیان:

جایجا می‌سازد، اگر عاری از محبت باشم، هیچم^۱. آنگاه که تمامی اموال خویش را صدقه می‌دهم، آنگاه که پیکر خود را به شعله‌های آتش می‌سپارم، اگر عاری از محبت باشم، این‌ها مرا به کاری نمی‌آید.

محبت بردبار است^۲؛ محبت آماده‌ی خدمت است؛ رشک نمی‌ورزد؛ محبت فخر نمی‌فروشد، مغرور نمی‌شود؛ هیچ کار ناشایستی نمی‌کند، نفع خویش را نمی‌جوید، به خشم نمی‌آید، به بدی اعتنا نمی‌کند؛ از ستمگری شادمان نمی‌شود، لیک از راستی مسرور می‌گردد. همه چیز را عذر می‌نهد، همه چیز را باور می‌کند، به همه چیز امید می‌بندد، همه چیز را تاب می‌آورد.

محبت هرگز زوال نمی‌پذیرد. نبوت‌ها از میان خواهد رفت. زبان‌ها خاموشی خواهد گرفت. علم از میان خواهد رفت. چرا که علم ما ناقص است و نبوت ما نیز ناقص است. لیک چون آنچه کامل است بیاید، آنچه ناقص است از میان خواهد رفت. آنگاه که کودک بودم، کودکانه سخن می‌گفتم، کودکانه می‌اندیشیدم، کودکانه دلیل می‌آوردم؛ چون مرد شدم، آنچه را کودکانه بود کنار نهادم. چرا که این زمان معماگونه در آینه می‌بینیم، لیک آنگاه روی در روی خواهیم دید. این زمان مرا شناختی ناقص است؛ لیک آنگاه بدان سان خواهیم شناخت که شناخته شده‌ام.

پس اکنون این سه چیز باقی می‌ماند: ایمان و امید و محبت، لیک بزرگترین آن‌ها محبت است.

۱۵/۱۴؛ رساله دوم کرتیان: ۷/۲) است، باید با اعمال ثابت گردد: (رساله دوم کرتیان: ۸/۸-۱۱، ۲۴؛ بنگرید به رساله اول یوحنا: ۱۸/۳) و در آن، فرمان‌های خداوند حفظ شود (انجیل یوحنا ۱۵/۱۴؛ ۱ انجیل یوحنا: ۲/۵ و غیره) و ایمان حقیقی گردد (رساله به گالاتیان: ۶/۵؛ بنگرید به رساله به عبرانیان: ۲۴/۱۰). چنین محبتی سررشته‌ی کمال است (رساله به کولوسیان: ۱۴/۳؛ بنگرید به رساله دوم پطرس ۷/۱) و «گناهان را می‌پوشاند» (رساله اول پطرس: ۸/۴؛ بنگرید به انجیل لوقا: ۴۷/۷). چون به خدا متکی است، جایی برای ترس باقی نمی‌گذارد. (رساله به رومیان: ۲۸/۸-۳۹؛ بنگرید به رساله اول یوحنا ۱۷/۴). چون در راستی عملی می‌شود (رساله به افسسیان: ۱۵/۴؛ بنگرید به رساله دوم تسالونیکیان: ۱۰/۲)، شعور راستین روحی را پدید می‌آورد (رساله به فیلیپیان: ۹/۱) و درهای معرفت روحانی را زالی (رساله به کولوسیان: ۲/۲؛ بنگرید به رساله اول یوحنا: ۷/۴) و محبت به مسیح را که از هر معرفتی برتر است (رساله به افسسیان: ۱۷/۳-۱۹؛ بنگرید به رساله اول به کرتیان: ۱/۸-۳-۱۳-۱۲) به روی آدمی می‌گشاید. با ساکن ساختن مسیح (رساله به افسسیان: ۱۷/۳) و تمامی تثلیث در روح آدمی (رساله دوم به کرتیان: ۱۳/۱۳؛ بنگرید به انجیل یوحنا: ۱۵/۴-۲۳؛ ۱ انجیل یوحنا ۱۲/۴)، زندگی را با فضایل الهی تغذیه می‌کند (بنگرید به رساله به رومیان: ۱۶/۱؛ ۲/۵)، فضایی که محبت برترین آن‌ها است (رساله اول به کرتیان: ۱۳/۱۳)، زیرا تنها محبت است که زوال نخواهد پذیرفت (رساله اول به کرتیان: ۸/۱۳)، بلکه در بصیرت شکوفا خواهد شد (رساله اول به کرتیان: ۱۲/۱۳؛ بنگرید به رساله اول یوحنا: ۲/۳)، آنگاه که خدا نعمت‌هایی را که به دوستان خویش وعده داده است، به برگزیدگانش عطا خواهد کرد (رساله اول کرتیان: ۹/۲؛ رساله به رومیان: ۲۸/۸؛ رساله به افسسیان: ۲۴/۶؛ رساله دوم به تیموتوس: ۸/۴؛ بنگرید به رساله یعقوب: ۱۲/۱؛ ۵/۲)

^۱ در این آیه «هیچم» یعنی «به کاری نمی‌آیم» (بسنجید با رساله اول به کرتیان: ۳۰/۱).

^۲ در آیات ۷-۴ محبت با مجموعه‌ای از پانزده فعل تعریف شده است. محبت نه به نحو انتزاعی، بلکه با عملی که برمی‌انگیزد توصیف گشته است.